

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۱۲، شماره پیاپی ۲۳
بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۲۴۳-۲۷۱

بررسی منشأ، ویژگی‌ها و الگوی پراکندگی جمعیتی کولی‌های ایران

ایوب امید^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

چکیده

کولیان مردم دوره‌گردی هستند که در سراسر دنیا پراکنده‌اند و مجموعه‌ای از آداب و رسوم مختلف دارند. به همین دلیل، شناخت خاستگاه و آشنایی با نحوه زندگی آن‌ها از لحاظ تحقیقات مردم‌شناسی سودمند است. اهمیت و تأثیر آن‌ها به حدی است که بسیاری از شاعران در آثار خود به ذکر زیبایی و ویژگی‌های دیگر آنان پرداخته‌اند. این پژوهش که از نوع مطالعات کیفی است، به روش میدانی و کتابخانه‌ای به بررسی منشأ، پراکندگی، ویژگی‌ها و تعداد تقریبی خانوارهای کولیان در نقاط مختلف ایران (با تکیه بر استان‌های ایلام و کرمانشاه) می‌پردازد. نویسندگان با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و روش گلوله‌برفی به مصاحبه با چهل تن از افراد بومی و کولیان استان‌های ایلام و کرمانشاه پرداخته است. نتایج بررسی‌ها که طی دو سال انجام گرفت، نشان می‌دهد کولیان همان داسیه‌ها (نچس‌ها) از طبقه فرودست هند هستند که به دلایلی از جمله اختلافات مذهبی، نداشتن جایگاه اجتماعی مناسب، فقر و... طی سالیان متمادی مهاجرت کردند و به دلیل اینکه بخش اعظمی از این مهاجرت‌ها از راه کابل انجام گرفت، با لقب کولی/کابلی خوانده شده‌اند و رفته‌رفته چنین صفتی به‌عنوان لقبی عام برای سایر مهاجران به‌کار رفته است. اغلب مردان کولی، درشت‌اندام و سبزه‌اند که خالکوبی‌هایی بر دست و بازو دارند و برخی به مشاغل مانند ختنه‌گری، کفاشی، آهنگری، خوانندگی، ساخت ابزار موسیقی و وسایل چوبی می‌پردازند. برخی از زنان آن‌ها نیز با پوستی سبزه و خالکوبی‌هایی بر چانه و مچ دست به‌گدایی و تن‌فروشی مشغولیت دارند. با بررسی‌های میدانی در مناطق مختلف کشور، مشخص شد استان‌های فارس، کرمان، لرستان و کرمانشاه به‌ترتیب بیشترین تعداد کولی‌ها را در خود جای داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ایلام، پراکندگی، تعداد خانوار، شیوه زندگی، کرمانشاه، کولیان.

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان (پردیس شهید مفتاح)، تهران، ایران.

مقدمه

کولیان گروه دوره‌گردی هستند که در تمام جهان پراکنده‌اند. زندگی این گروه که همواره در اقلیت بوده‌اند و سرگذشت تاریک، دردناک و شگفت‌انگیزی داشته‌اند، ساده، خشن و پرماجرا گذشته است. شمار زیادی از کولیان در سده بیستم، اسکان یافته‌اند، ولی هنوز بسیاری از آنان به شیوه دوره‌گردی روزگار می‌گذرانند. چادرنشین‌بودن کولیان سبب شده است که با مردم کشورهای گوناگون در تماس باشند و در خلال زندگی توأم با آوارگی خود، اصالت و هویت خود را نگهدارند. کولیان همواره از سوی سایر فرهنگ‌ها تحت فشار بوده‌اند و امروزه هم با مسائل اجتماعی و فرهنگی جدیدی روبه‌رو هستند؛ بنابراین لزوم آشکارساختن ماهیت کولیان و نمایان کردن هویت آنان در گذشته و امروز و ایجاد تفاهم و همکاری بیشتر میان آنان و سایر مردم، بیش از هر زمان احساس می‌شود (زرین‌کوب، ۱۳۵۶: ۷).

سال‌ها مردم‌شناسان، اطلاعات معتبری درباره کولیان و منشأ آن‌ها در دست نداشتند تا اینکه محققان پس از تحقیقات گسترده دریافتند که خاستگاه کولی‌ها کشور هند است و تا هنگامی که این مسئله روشن نشده بود، داستان‌های زیادی درمورد کولیان بر سر زبان‌ها بود. در ایران نیز بسیاری، بنا به شباهت‌های ظاهری (به‌ویژه پوشش)، نژاد کولیان را به قومیت‌های مختلف ایرانی لر، کرد، بلوچ و... نسبت می‌دادند که این مسئله از عدم تحقیق و نتیجه‌گیری براساس ویژگی‌های پوششی آن‌ها ناشی شده بود؛ زیرا کولیان به‌علت سکونت طولانی و آگاهی از آداب و رسوم مناطق مختلف، تا حدی ویژگی‌های ظاهری بومیان هر منطقه را کسب کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که شناسایی آن‌ها (به‌ویژه در شهرهای بزرگ) دشوار است. این مسائل و همچنین اختلاط کولیان با مردم بومی و پراکندگی آن‌ها در سراسر کشور، نویسنده را برانگیخت تا به پژوهش در زمینه شناخت هرچه بیشتر کولیان و پراکندگی و تعداد تقریبی خانوارهای آن‌ها در نقاط مختلف ایران بپردازد. نویسنده در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش‌ها پاسخ دهد: خاستگاه اصلی کولیان کجاست و به چه دلایلی از خاستگاه خود مهاجرت کرده‌اند؟ چرا این قوم مهاجر «کولی» خوانده می‌شوند؟ جمعیت کولیان در کدام استان‌ها بیشتر است و چرا؟ مهم‌ترین ویژگی‌های کولیان کدام‌اند؟ کولیان از چه راه‌هایی تأمین معاش می‌کنند؟ شایان ذکر است هرچند بسیاری از پژوهشگران به خاستگاه کولیان اشاره کرده‌اند، در این پژوهش با ذکر نظر پژوهشگران مختلف به‌صورت منسجم به این پرسش پاسخ داده شده است.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌ها درباره کولیان بسیار است و اغلب جنبه مردم‌شناسی دارد تا ادبی. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده به مهم‌ترین این موارد اشاره می‌شود. مقالاتی از جمله «پژوهشی درباره

کولیان ایران و جهان» (۱۳۲۸) از ایران‌پرست، «کولی‌ها کیستند و کجایی هستند» (۱۳۳۹) از عبدالوهاب قائم‌مقامی، «کولی‌ها در برابر جهان امروز» (۱۳۵۳) از ایواتس و «زُط، جات» (۱۳۶۶) از محیط طباطبایی به تحقیق و پژوهش درمورد کولیان پرداخته‌اند که اغلب موارد به نقل قول درباره منشأ آن‌ها پرداخته شده و پراکندگی و ویژگی‌های آن‌ها به صورت دقیق بررسی نشده است. تومکا (۱۳۶۳) در مقاله «کولیان افزارمند اروپا» به بررسی شغل و نحوه معاش کولیان در اروپای مرکزی و شرقی پرداخت و جنگ‌های جهانی را عامل اصلی تغییر شغل آن‌ها و اشتغالشان در کارخانه‌ها عنوان کرد. همچنین به بزهکاری کولیان و ایجاد معضلات اجتماعی در آغاز قرن بیستم در اروپا اشاره کرد. آقاعباسی در کتاب *دانشنامه نمایش ایرانی* (۱۳۴۸) از جنبه نمایشی به پژوهش درباره کولیان پرداخت، اما در حوزه مطالعات ادبی، جلالی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «جایگاه لولی در ادب فارسی با تکیه بر کلیات شمس»، فقط جایگاه لولی را در کلیات شمس جستند و حبیبی‌باشت (۱۳۸۵) در مقاله «لولی در گذر تاریخ و ادبیات»، ابعاد تاریخی و ادبی را در نظر گرفت. خطیبی (۱۳۹۷) در مقاله «کولی در ادبیات فارسی» بر اساس آثار نظم و نثر فارسی، ریشه‌های واژگانی القاب کولیان و عقاید مثبت و منفی نویسندگان و شاعران درمورد کولیان را تحلیل کرد. زندیه و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی «وضعیت اجتماعی کاولی‌ها در غرب ایران»، سیر تاریخی و اجتماعی برخی از جنبه‌های حیات کاولی‌ها در ایران اسلامی را تا زمان معاصر مطالعه کردند. نریمانی و رضایی‌پور (۱۳۹۹) در مطالعه «نگرشی به چهره کولی در ادبیات ایران و فرانسه» نشان دادند فرهنگ و ادبیات دو کشور ایران و فرانسه چگونه از چشم‌انداز فرهنگی-زیستی چهره کولیان را نمایش داده است. ذوالفقاری (۱۴۰۰) در بررسی «جایگاه اجتماعی لولیان خنیاگر و کولیان رامشگر در امثال فارسی» با تکیه بر مثل‌های ادبیات فارسی به ویژگی‌های مثبت و منفی رفتاری کولیان پرداخت. کشیری و برک‌پور (۱۴۰۱) در «واکاوی عوامل مؤثر بر طرد و جداسازی گروه‌های قومی اقلیت؛ کولی‌های شهرک نوبنیاد ساری» عوامل طرد کولی‌های ساکن شهرک نوبنیاد را مطالعه کردند و نشان دادند این امر ناشی از دو عامل اصلی فرهنگ متمایز و استمرار محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قانونی بوده است. یوسفوند، علی‌محسنی و غیاثوند (۱۴۰۱) در «واکاوی تجربه زیسته کولی‌ها از طرد اجتماعی (مورد مطالعه: کولی‌های شهر خرم‌آباد)» با مصاحبه با هجده نفر و برگزاری دو بحث گروهی به واکاوی تجربه زیسته کولی‌ها از طرد اجتماعی پرداختند و زیست‌جهان و نظام معنایی کولی‌های شهر خرم‌آباد از طرد و زیست حاشیه‌ای را توصیف کردند. نتایج پژوهش، چندوجهی بودن محرومیت و طرد کولی‌های حاشیه‌نشین را نشان می‌دهد. مقوله‌هایی نظیر زیستن در حاشیه اقتصاد رسمی، معضل معیشت و ناامنی شغلی، بی‌پناهی، محرومیت مضاعف و... از مهم‌ترین این موارد است. با توجه به اهمیت قومیت‌های مختلف و آشنایی با ویژگی‌ها و

شیوه زندگی آن‌ها، فقدان پژوهشی میدانی، به‌روز و متمرکز درباره کولیان ایران احساس می‌شود. به همین دلیل مقاله حاضر به بررسی منشأ، پراکندگی، تعداد تقریبی خانوارها، ویژگی‌های رفتاری و شیوه زندگی آنان با استناد به متون تاریخی، متون نظم و نثر ادبی و مشاهدات میدانی می‌پردازد. پرداختن به چنین مسائلی اهمیت تحقیق حاضر محسوب می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر به سه روش مشاهده، مصاحبه و مطالعات اسنادی (کتاب و مقاله) انجام گرفت. روش پژوهش کیفی و میدانی است. ابتدا با تحقیق میدانی و مصاحبه با بومیان و کولیان استان‌های ایلام و کرمانشاه، مناطق کولی‌نشین شناسایی شدند و با برنامه قبلی و به یاری آشنایان برخی کولیان به مصاحبه با آنان پرداخته شد. سپس با توجه به این مصاحبه‌ها، ویژگی‌ها و تعداد تقریبی خانوارهای آنان (در پایان مقاله) گردآوری شد. شایان ذکر است با توجه به دشواری حضور خود نویسنده در تمامی نقاط کشور، گردآوری اطلاعات مربوط به پراکندگی کولیان در سایر استان‌ها (کردستان، لرستان، خراسان رضوی، کرمان، فارس، بوشهر، خوزستان، تهران و مازندران) به یاری خویشاوندان و دوستان نویسنده و به شیوه میدانی (ضبط گفته‌ها) انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه پژوهش، دو استان ایلام و کرمانشاه است که براساس روش نمونه‌گیری هدفمند در استان ایلام، شش شهرستان ایلام، ایوان، دره‌شهر، آبدانان، دهلران و ملکشاهی و در استان کرمانشاه نیز شش شهرستان کرمانشاه، سنقر، صحنه، هرسین، گیلان غرب و سرپل ذهاب به‌عنوان حوزه پژوهش انتخاب شدند. دلیل این‌گزینه آن است که طبق مطالعات اکتشافی انجام‌شده، کولیان در این مناطق، بیشتر سکونت دارند. همچنین براساس روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا افراد دیگری را که در مورد فرهنگ کولیان و آداب و رسوم آن‌ها آشنایی دارند معرفی کنند. سپس گفته‌های چهل تن از مصاحبه‌شوندگان به شیوه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و به مهم‌ترین این موارد استناد شد. مصاحبه‌های فردی و تهیه تصاویر نیز در فاصله زمانی بهمن ۱۳۹۸ تا اسفند ۱۴۰۰ انجام شد و هر مصاحبه بیست الی سی دقیقه در خیابان، نزدیک منزل و محل کار افراد بومی و مردان کولی به طول انجامید. در این پژوهش با ضبط گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، نهایت تلاش در حفظ امانت یافته‌ها صورت گرفته است. اهمیت مقاله حاضر در این است که نخستین پژوهشی است که به بررسی پراکندگی و تعداد خانوار کولیان ایران با تکیه بر کولیان ساکن در استان‌های ایلام و کرمانشاه می‌پردازد. شایان ذکر است که خود نویسنده در جمع‌آوری اطلاعات با چهل تن از بومیان استان‌های ایلام کرمانشاه مصاحبه داشته و در اینجا با کسب اجازه قبلی از مصاحبه‌شوندگان، به ذکر نام چند تن از این افراد اشاره می‌شود: از استان

ایلام مجتبی حیدریان، علی‌عسگر حیدریان، وحید حیدریان، عبدالله مرادی، معارف عزیزی، احسان و ولی همتی و از استان کرمانشاه نیز احسان یاری، فرزاد فرزی، فرهاد میرزایی، فرهاد یوسفی، محمد امیری و مراد میرزایی.

یافته‌های پژوهش

خاستگاه کولیان و علت مهاجرت آن‌ها

دهخدا می‌گوید: کولی‌ها در ایران لوری، لولی، چنگی و... نامیده شده‌اند و پیوند آنان با طایفه سکایی تبار جت ساکن شمال هند به گفته محققان آشکار است (دهخدا، لفظ زط). ورجاوند نیز چنین می‌گوید: «به‌طور کلی آن‌ها را جماعتی از نژاد آریایی هندوایرانی دانسته‌اند و معتقدند که از سرزمین هند به سایر نقاط جهان پراکنده شده‌اند. وجود برخی نزدیکی‌ها در رسوم و اعتقادات آنان وجود یک ریشه مشترک را در بین این مردم تأیید می‌نماید» (ورجاوند، ۱۳۴۴: ۳۴).

یاحقی نوازندگی و خنیاگری را عامل ورود آن‌ها به ایران و اشتها در آثار هنرمندان می‌داند: «منشأ این گروه را خنیاگران و گوسان‌هایی می‌دانند که به فرمان بهرام گور ساسانی برای رامشگری از هند به ایران آورده شدند... این لولیان که مردمانی سیه‌چرده و از طبقه پایین هندوان بودند، از ایران به جانب غرب رفتند» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۷۲۸-۷۳۰).

رضایی، نوردیک‌ها^۱ را یکی از سه دسته نژاد قفقازی می‌داند «که از شمال غربی وارد هند شده‌اند. اجداد آریایی‌های هند و ایرانی از این تیره هستند. این‌ها در هزاره دوم پیش از میلاد در هندوستان ساکن شدند و به‌مرور ایام، ابتدا بر تمام هند شمالی و سپس مردم دکن و هند جنوبی غلبه کرده‌اند... آگاهی‌های ناقصی که درباره هجوم قوم دراویدی به دست آمده، حکایت از این دارد که سکنه بومی از جلو مهاجمین فرار کرده و به جنگل‌های صعب‌العبور پناه برده‌اند... [آریایی‌ها] مردمانی جنگجو و نیرومند بودند و ساکنین سیاه‌چرده مغلوب محلی را به دیده تحقیر می‌نگریستند و آن‌ها را داسیه یا داسیو می‌خواندند» (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۸۶-۱۸۸).

با توجه به این گفته می‌توان به این نتیجه رسید که پس از حمله آریایی‌ها و تسلط بر شمال هندوستان و گسترش تصرفات خود، ساکنان سیه‌چرده بومی که توان مقابله یا این متجاوزان را نداشتند، به‌اجبار به مناطق دیگر هندوستان و گروه‌هایی نیز به خارج از زادگاه خود کوچ کردند.

افشار سیستانی درباره نخستین مهاجرت این قوم به ایران می‌نویسد: «بنا بر اشارات اندکی که در آثار ایرانی و بیگانگان درباره این مردم وجود دارد، گویا نخستین دسته‌های مهاجر کولی در روزگار ساسانیان وارد ایران شده‌اند و در سراسر کشور به گردش درآمده و در شمال خاوری

تا جنوب باختری ایران برای خود پایگاه‌ها و کوچ‌ها، اختیار کرده بودند... ضرورت‌های اجباری چون تنگی پهنه زندگی، خشکسالی، تاخت‌وتاز طوایف یا فشارهای محلی و... سبب مهاجرت آن‌ها شده است (افشار سیستانی، ۱۳۷۷: ۴۴-۴۵).

رضایی می‌گوید: در هندوستان از دیرباز، صنف پست به دو دسته نجس و پاک تقسیم می‌شدند، صنف پاک را «سودرا»^۱ لقب داده‌اند که به مشاغل پست راضی نمی‌مانند و مانند دیگر هندوان در اعمال اجتماعی و مناسک دینی، مانند دیگر طبقات شرکت می‌کنند، اما نجس‌ها که مجبور به قبول مشاغل پست مانند مرده‌کشی، رفتگری و... بودند، نزد طبقات عالی‌ه ناپاک (outcaste) شمرده می‌شدند و به «پاریا» (Parya) یا نانجیب در برابر آریا (Aria) معروف بودند و به موجب قانون «مانو» در ردیف سگ و خوک قرار داشتند و همه جا و همه وقت مورد اهانت و تحقیر قرار می‌گرفتند (رضایی، ۱۳۸۹: ۴۱۶).

به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از همین طبقه پاریا یا نجس‌ها به علت فشارهای اجتماعی و نداشتن جایگاه مناسب مجبور به کوچ و ترک سرزمین خود شدند و به سایر نقاط دنیا سرازیر شدند و بعدها با عنوان کولی شهرت یافتند.

راو در کتاب غربتی‌های افغانستان نظری متفاوت بیان می‌کند و کولیان را به نقل از برخی تاریخ‌نگاران، ایرانی می‌داند: «بعضی از تاریخ‌نگاران بر این باورند که گروه جت یا کولیان، اهل هندوستان نبوده و از ایران آمده‌اند... تاریخ مهاجرت این گروه را نمی‌توان به درستی تعیین کرد، ولی آشکار است که از گذشته‌های بسیار دور به این سرزمین [افغانستان] مهاجرت کرده‌اند (۱۳۶۱: ۱). قائم‌مقامی برخلاف راو معتقد است که آنچه ثابت و محقق شده این است که این طایفه خلقتاً و خلقتاً از نژاد آریان هستند که شعبه‌ای بزرگ از این گروه، متجاوز از هفت هزار سال پیش از ساحل رود جیحون به ایران آمده‌اند و شباهت خلقتی ایشان به هندی‌ها، طوایف سندی و بلوچ و مردم خوزستان کاملاً محسوس است (۱۳۲۹: ۲۶۳). شایان ذکر است که واژه جت در زبان‌های هندواروپایی به معنی زدن، راندن و کشتن است (حضور، ۱۳۸۷: ۹۸).

گفته راو که منشأ مهاجرت کولیان را ایرانی می‌داند، سخنی ناپذیرفتنی است و بنا بر آنچه گفته شد، کولی‌ها به دلیل اقتصادی، نداشتن جایگاه اجتماعی و فقر، از هند مجبور به مهاجرت شده‌اند. علاوه بر این، تحقیقات ژنتیکی محققانی مانند دکتر کوپرنیکی^۲ در بخارست (زرین کوب، ۱۳۵۶: ۴۷۷)، هندو بودن این قوم را ثابت کرده است. اگر گفته راو (مهاجرت کولیان از ایران به افغانستان) را بپذیریم، همین مهاجرت و طرد شدن نیز می‌تواند دلیلی بر اختلاف نژادی و مذهبی این قوم با ایرانیان باشد. در گذشته به علت مطرح نبودن مرزبندی

1. Sodra
2. Copernicki

سیاسی به شکل امروزی، مهاجرت‌ها با محدودیت زیادی همراه نبوده و با توجه به شکل دوره‌گردی و کوچ‌نشینی کولیان، ممکن است پس از ورود به ایران، گروه‌هایی از آن‌ها به افغانستان و نواحی اطراف مهاجرت کرده باشند.

گفته‌های امان‌اللهی و طباطبایی نیز مؤید هندوبودن کولیان است: «آنچه می‌توان گفت این است که کولی‌ها ابتدا از شمال غربی هندوستان به دلایلی که هنوز قابل‌بحث است، حرکت کرده و به سایر نقاط جهان رفته‌اند، اما در مورد کولی‌های ایران به احتمال قوی، آن‌ها باید به افغانستان مهاجرت کرده و از آنجا به ایران آمده‌اند» (۱۳۶۰: ۱۶۰-۱۶۱). «واژه کولی که امروز در زبان فارسی، جای نام‌های کولیان را گرفته، کوتاه‌شده کاولی یا کابلی است که معرف مبدأ وصول و انتقال آنان از کابل در دره سند است» (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۶۵). در اطلس گیتاشناسی درباره کشور هند آمده است: «هند از کهن‌ترین سرزمین‌های مسکونی جهان و مهد تمدنی پیشرفته بوده است. پیش از آنکه آریاییان وارد سرزمین هند کنونی شوند، آن دیار را مردمان آنجا بهارات وارشا می‌نامیدند که قسمت پهناوری از افغانستان کنونی را دربرداشت» (اطلس گیتاشناسی کشورها، ۱۳۶۲: مقابل نام کشور هند).

شایان ذکر است این گفته که در گذشته بخش وسیعی از افغانستان جزو هند بوده است، نظر امان‌اللهی و طباطبایی را پذیرفتنی می‌کند؛ زیرا با توجه به اینکه بسیاری از محققان، خاستگاه اصلی کولیان را شمال غربی هند می‌دانند و همچنین پیوستگی شمال غربی هند و افغانستان، چه بسا بسیاری از این مهاجران از این سرزمین عبور کرده‌اند و همین امر سبب شده، بسیاری آن‌ها را کابلی (کولی) بخوانند.

به گفته هدایت «شاپور هنگام بستن بند شوستر چند هزار از این طایفه را از کابل احضار کرده به خوزستان و شوستر آورد. روز، مردان ایشان عملگی کردند و شب، زنان ایشان در کار آب [شراب‌نوشی] و رقاصی به سر بردندی» (بی‌تا: ۶۶۳). این گفته نظریه مهاجرت کولیان هندو از راه کابل را بیشتر تقویت می‌کند، اما نولدکه خاستگاه اصلی کولیان را پاکستان می‌داند و می‌گوید: «کولیان یا جت‌ها از روزگاران کهن در پاکستان زندگی می‌کنند و خانواده‌هایی از آن‌ها از دوران ساسانی به بعد به ایران مهاجرت کرده‌اند و در روزگاران خلافت مأمون، ناگزیر از مهاجرت به سوی باختر شدند. به نظر می‌رسد که لولیان از شهر ذیبیل که شهر ساحلی واقع در دو فرسنگی باختر مصب رود سند است به ایران آمده‌اند» (۱۳۵۹: ۱۹۴).

گفته نولدکه^۱ منافاتی با هندوبودن کولیان ندارد؛ زیرا پاکستان در گذشته نه‌چندان دور بخشی از هند بوده است و با توجه به عدم مرزبندی‌های سیاسی که پیش‌تر به آن اشاره شد،

به‌نظر می‌رسد همه مهاجرانی که از شرق و جنوب شرق و نواحی اطراف آن به ایران مهاجرت می‌کردند، به قرینه نخستین مهاجرت‌ها از راه کابل با صفت کولی/کابلی خوانده می‌شدند و حوادثی از قبیل خشکسالی، فقر یا اختلاف مذهبی و نداشتن جایگاه اجتماعی از مهم‌ترین دلایل این مهاجرت‌ها بوده است؛ چرا که «در طول تاریخ، مذهب به مقدار فراوانی در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هندوستان اثر و نفوذ داشته است؛ چنان‌که از طرفی مذهب باعث شد که سکنه آن، تمدن و سنن باستانی خود را حفظ کنند و از سوی دیگر، نیروی مذهب باعث شد که هندوستان به دو کشور هند و پاکستان تقسیم گردد» (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

مهاجرت کولیان به ایران بنا بر آثار نظم و نثر

با توجه به آثار نظم و نثر فارسی، به گفته‌های برخی از نویسندگان و شاعران درمورد این مهاجرت‌ها می‌پردازیم. ثعالبی درباره مهاجرت کولیان چنین روایتی بیان می‌کند: «گویند روزی شامگاهان بهرام از شکار بازمی‌گشت. گروهی از مردم بازاری را دید که در زردی آفتاب غروب بر سبزه چمن نشسته‌اند و شراب همی‌خورند. آنان را از اینکه خویشتن را از سماع و آواز که مایه شادی و نشاط جان است، محروم داشته‌اند سرزنش کرد و نکوهید. گفتند: ای ملک امروز رامشگری به صد درهم طلب کردیم و نیافتیم. بهرام گفت در کار شما خواهم نگریم. پس بفرمود تا به سنگله پادشاه هند نامه‌ای نویسند تا چهار هزار تن از خنیاگران آزموده و رامشگران کار دیده به دربار وی گسیل دارد. سنگله بفرستاد و بهرام آنان را در سراسر کشور بپراکند و فرمان داد تا مردم آنان را به کار گیرند و از آنان بهره برند و مزدی شایسته بدان‌ها بپردازند و این لوریان سیاه که اکنون به نواختن عود مشهورند از بازماندگان آنان‌اند» (۱۳۶۸: ۵۶۶-۵۶۷). این داستان در *مجموعه‌التواریخ* چنین آمده است: «بهرام کس را هیچ رنج و ستوه نیافت جز آنک مردمان بی‌رامشگر شراب خوردندی؛ پس بفرمود تا به ملک هندوان نامه نوشتند و از وی کوسان خواست و کوسان به زبان پهلوی، خنیاگر بود، پس از هندوان دوازده هزار مطرب بیامدند زن و مرد. لوریان که هنوز بجایند از نژاد ایشان‌اند و ایشان را ساز و چهارپا داد تا رایگان پیش اندک مردم، رامشی کنند» (۱۳۱۸: ۲۶۹).

ابوالفرج اصفهانی نیز در *الاعانی* ضمن حکایتی متذکر شده که بهرام گور دوازده هزار لولی و رامشگر (زُت) از هندوستان به ایران آورد و در تمام نواحی مملکت پراکنده کرد. این خوانندگان و نوازندگان را در هندوستان زت می‌نامیدند و در ایران به لولی، لوری یا کولی معروف شده‌اند. این لولیان در هر کوی و برزن و شهر و قریه‌ای برای مردم نوازندگی و خوانندگی می‌کردند (۱۳۶۸: ۴۱۲).

با توجه به گفته صاحب‌الاجانی، کولیان را در هندوستان نیز زت (رانده‌شده) می‌خوانند که به نظر می‌رسد همان طبقه نجس یا داسیه‌ها باشند که به علت نداشتن جایگاه اجتماعی از این کشور رانده شده‌اند.

حکیم طوس نیز مهاجرت کولیان را چنین ذکر می‌کند:

به نزدیک شنگل فرستاد کس
از آن لوریان برگزین ده هزار
که استاد بر زخم دستان بود
هم‌آنگاه شنگل، گزین کرد زود
چو لوری بیامد به نزدیک شاه
به هریک یکی گاو داد و خری
همان نیز خروار گندم هزار
بدان تا بورزد به گاو و به خر
کند پیش درویش رامشگری
بشد لوری و گاو و گندم بخورد
بدو گفت شاه، این نه کار تو بود
خری ماند اکنون بنه برزهد
کنون لوری از پاک گفتار اوی
سگ و گرگ همسایه و هامراه
چنین گفت کای شاه فریادرس
نر و ماده بر زخم بر ربط سوار
و آواز او رامشش جان بود
ز لوری کجا شاه فرموده بود
بفرمود تا برگشادند راه
ز لوری همی ساخت برزیگری
بدیشان سپرد آن که بد پایکار
ز گندم کند تخم و آرد به بر
ورا رایگانی کنند کهنتری
بیامد سر سال، رخسار زرد
پراکندن تخم و کشت و درود
بسازید رود و بریشم کنید
همی‌گردد اندر جهان چاره‌جوی
به دزدی شب و روز پویان به راه
(فردوسی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۴۰۳)

نظامی نیز در هفت‌پیکر در داستان «به‌تخت‌نشستن بهرام» به انتقال کولیان برای نوازندگی و شادی مردم اشاره می‌کند.

هفت سال از جهان خراج افکند
شش هزار اوستاد دست‌ساز
گرد کرد از سواد هر شهری
تا به هر جا که رخت‌کش باشند
بیخ هفتاد ساله غم برکند
مطرب و پای‌کوب و لعبت‌باز
داد هر بقعه را از آن بهری
خلق را خوش کنند و خوش باشند
(نظامی، ۱۹۳۴: ۱۷)

با توجه به این گفته مشخص می‌شود که کولیان در مناطق مختلف برای نوازندگی و شادی مردم تقسیم می‌شدند. چنان‌که ذکر شد، نویسندگان تعداد مهاجران را متفاوت ذکر کرده‌اند:

مؤلف *مجم‌التواریخ و الاغانی* دوازده هزار؛ فردوسی ده هزار، ثعالبی چهار هزار و نظامی شش هزار نفر نوشته‌اند که این امر قابل استناد نبودن این آمار را نشان می‌دهد.

زرین کوب در کتاب *نه شرقی نه، غربی- انسانی* درخواست بهرام از شنگل به منظور فرستادن کولیان به ایران را بی‌اساس و افسانه می‌داند: در آن زمان (دوره ساسانی) بین ایران و هند روابطی سیاسی وجود داشته است و شاید بعضی از پادشاهان هند در ازای جلوگیری از هیاطله (هپتالیان) که برای آن کشور نیز خطرناک بوده‌اند، ایالت سند و مکران را به بهرام واگذار کرده باشند و موضوع مهاجرت لولیان باید یک مسئله سیاسی مربوط به روابط ایران و هند یا مربوط به سختی زندگی لولیان در هند باشد. آنچه درباره مکاتبه بهرام با شنگل و درخواست فرستادن خنیاگران هندو نوشته‌اند، ظاهراً افسانه‌ای بیش نیست (زرین کوب، ۱۳۵۶: ۴۷۷). محمد محیط طباطبایی می‌گوید: پیدایش لوریان، لولیان یا کولیان از هند به ایران از پیش آمده‌های دوران پس از انتقال ساسان پنجم به میهن نیاکانش و در فاصله زمانی میان اردشیر ساسانی تا مأمون عباسی بوده است. در این زمان، ایران جولانگاه کار و هنر این مردمان بود که در روزگار مأمون ناگزیر از مهاجرت به سوی باختر شدند (۱۳۶۶: ۱۶۶-۱۶۷).

با توجه به گفته زرین کوب و طباطبایی مهاجرت عمده کولیان در عهد ساسانی صورت گرفته است، ولی با مطالعه بعضی از متون تاریخی، به نظر می‌رسد آشنایی ایرانیان با کولیان و اشتها آن‌ها به نوازندگی و آوازخوانی به قرن‌ها پیش از دوره ساسانی و حتی به دوره هخامنشی بازمی‌گردد و ممکن است در این دوره، گروه‌هایی از کولیان به ایران مهاجرت کرده باشند.

چنان‌که داندامایف^۱ در کتاب *ایرانیان در بابل هخامنشی* به واگذاری زمین‌های اقطاعی به فرماندهان لشکریان هندی در نیپور اشاره می‌کند: از هندیان در عهد کورش و کمبوجیه، به‌عنوان زمین‌داران نظامی در بابل سخنی نیست، ولی از زمان فتح نواحی شمال غرب هند به دست داریوش، نام آن‌ها را در گروه اقطاع‌داران بابل می‌بینیم. در اسناد بابلی سده پنجم (ق.م) به نام بگه-زوشتو^۲ رئیس^۳ خطرو (مجتمع زمین‌های نظامی) هندی‌ها، پسر بگه پاته^۴ شاهد سندی مربوط به ۴۱۷ ق.م در نیپور بود.^۵ نام همین فرد در همان سال، در سندی دیگر به‌عنوان یکی از شاهدان پرداخت اجاره‌بهای اقطاع متعلق به مستعمره‌نشین‌های کشور هرابوه (هرات) آمده است. بنا بر سندی دیگر، یک ایرانی به‌نام بگه-اینه^۶ در سال ۴۲۵ ق.م، مزرعه‌اش

1. TMH 2/3,190:14

2. Bage-zešto

3. šaknu

4. Bagepane

5. TMH 2/3,190:14

11. Bage ene

را در نزدیکی نیپور اجاره داده و بگه زوشتو، پسر پروره^۱ رئیس خطروی هندی‌ها شاهد آن بوده است^۲ (۱۳۹۱: ۱۸۹-۱۹۰).

این اسناد نشان می‌دهد یک مجتمع اقطاع نظامی از هندی‌ها در نزدیکی منطقه نیپور وجود داشته است. ممکن است همین حضور نظامی سربازان هندی (به‌عنوان نیروهای تحت فرمان هخامنشی) در بابل، زمینه ورود دسته‌هایی از کولیان به ایران و بابل را فراهم کرده باشد و شاید نوازندگان و آوازخوانانی برای سرگرمی سپاهیان، همراه لشکریان هندی حضور داشته‌اند و همین امر زمینه آشنایی ایرانیان با کولیان و هنر نوازندگی آن‌ها را فراهم کرده است.

۳.۱. ویژگی‌های کولیان در اشعار فارسی

در آثار ادبی فارسی، شاعران گاه بعضی ویژگی‌های کولیان را دستمایه مضمون‌سازی قرار داده‌اند و اشاراتی به زیبایی، خلق‌وخو و شیوه زندگی این قوم داشته‌اند. در اینجا به برخی از این مضمون‌سازی‌ها اشاره می‌شود. منوچهری که شاعر عیش و شادی است، در دیوان خود به نوازندگی و خنیاگری کولیان اشاره دارد:

صلصل باغی به‌باغ‌اندر همی‌گرید به‌درد بلبل راغی به راغ‌اندر همی‌نالد به‌زار
این‌زند بر چنگ‌های سغدیان پالیزبان و آن‌زند بر نای‌های لوریان آزادوار
(منوچهری، ۱۳۴۷: ۲۸)

خاقانی هم با ویژگی سرگشتگی و بی‌سروسامانی کولیان مضمون‌سازی می‌کند:

خرمن ایام من با داغ اوست او به آتش قصد خرمن می‌کند
این دل سرگشته همچون لولیان باز دیگر جای، مسکن می‌کند
(خاقانی، بی‌تا: ۶۰۸)

همچنین در مدح اتابک قزل ارسلان ایلدگز بلورگری لوریان اشاره دارد:

سرخ جامی چون شفق در دست، و آن‌گه در صبوح لخلخه از صبح و دستنبو ز اختر ساختند
کف در آن ساغر معلق‌زن چو طفل غازیان کز بلور لوریانش طوق و چنبر ساختند
(همان: ۱۱۱)

علاوه بر این، نظامی در خسرو و شیرین به دزدی هندوان اشاره می‌کند:

به دزدی هندویت را گرتگیرم چو هندو دزد نافرمان پذیرم
نبرد دزد هندو را کسی دست که با دزدی جوانمردیش هم هست
(نظامی، ؟؟؟: ۱۴۹)

1. parore

2. BE 9, 76:11

چنان‌که با توجه به بررسی‌های انجام‌شده یکی از صفات کولیان در منطقه پژوهش، دزدی است.

مولوی در مثنوی دفتر پنجم حکایتی در بی‌وفایی مردی کولی بیان می‌کند:

چون ضرورت بود، دختر را بداد / او به ناکفوی ز تخویف فساد
گفت دختر را کزین داماد نو / خویشان پرهیزکن حامل مشو
کز ضرورت بود عقد این‌گدا / این غریب اشممار را نبود وفا
ناگهان بجهد کند ترک همه / بر تو طفل او بماند مظلومه
(مولوی، ۱۳۸۲: ۱۰۱۷)

از این ابیات معلوم می‌شود که در عصر مولوی این طبقه کاملاً مشهور و عامه مردم از وصلت و ازدواج با آن‌ها که دوره گرد بودند و به آداب و رسوم پایبندی نداشتند، خودداری می‌کردند. وی در این ابیات به بی‌وفایی و عدم پایبندی به کانون خانواده اشاره می‌کند. حافظ نیز در غزل‌های خود اشاراتی به زیبایی شیرین‌کاری، یغماگری، نیرنگ‌بازی و سیه‌چردگی زنان کولی دارد:

فغان کاین لولیان شوخ شیرین‌کار شهر آشوب / چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را
(حافظ، ۱۳۹۱: ۴)
بنده طالع خویشم که درین قحط وفا / عشق آن لولی سرمست خریدار منست
(همان: ۷۳)
دل‌م رمیده لولی‌وشی‌ست شورانگیز / دورغ‌وعده و قتال‌وضع و رنگ‌آمیز
(همان: ۳۶۰)
صبا زان لولی شنگول سرمست / چه داری آگهی چون است حالش
(همان: ۳۷۸)

جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی در اشاره به دزدی و راهزنی کولیان می‌گوید:

رومی روز آب کارت برد و تو در کار آب / لوری شب رخت عمرت برد و تو در پنج و چار
(جمال‌الدین عبدالرزاق، ۱۳۲۰: ۴۱۲)

صائب نیز همچون دیگر شاعران از مضمون‌سازی با واژه کولی چشم‌پوشی نمی‌کند و عشوه‌گری و زیبایی چشم زنان کولی را دستمایه شاعری خویش قرار می‌دهد:
لعل تو جان‌بخش تراز عیسی مشرب / چشم تو فریبنده تراز لولی مشرب
(صائب، ۱۳۶۸: ۶۱۵)

بهار نیز از مضمون غازه‌بندی و آرایشگری زنان کولی بهره می‌برد:

بود سرخ‌سنبل سراپای عور به رخ غازه چون لولیان لوند
(بهار، ۱۳۶۸: ۷۰۹)

مینوی هم به نقل از عبید زاکانی به ذکر حکایت کولی با فرزند خویش می‌پردازد: «لولی‌ای با پسر خود ماجرا همی کرد که تو هیچ کار نمی‌کنی و عمر به بطالت به‌سر می‌بری. چند با تو بگویم که معلق‌زدن بیاموز و سگ از چنبر جهانیدن و رسن‌بازی تعلیم کن تا از عمر برخوردار شوی؟ اگر از من نمی‌شنوی به خدا تو را در مدرسه اندازم تا آن علم مرده‌ریگ ایشان بیاموزی و دانشمند شوی و تا زنده باشی در مذلت و فلاکت و ادبار بمانی و یک جو از هیچ جا حاصل نتوانی کرد» (۱۳۴۹: ۲۲۷).

با توجه به این مطلب می‌توان به برخی از ویژگی‌های کولیان از جمله نگاه‌داشتن سگ، معلق‌زدن و عدم توجه به کسب علم و دانش پی برد. هم‌اکنون کولیان در برخی از مناطق هم به چنین کارهایی گرایش دارند.

فعالیت کولیان و استفاده ابزاری از آنها

در بعضی از متون تاریخی دیده می‌شود که گاه از زنان کولی به‌عنوان روسپی بهره می‌بردند. صاحب رستم *التواریخ* درباره سفر کریم‌خان زند به آذربایجان می‌نویسد: «محمد کریم‌خان، خسروی بود؛ حکیم منش و فیلسوف روش و اراده سفر آذربایجان داشت و می‌دانست که این سفر به طول خواهد انجامید. با خود اندیشه بسیار نمود در باب لشکریان که همه عزب و مست شهوت می‌باشند و به هر سرزمینی که وارد گردد، ایشان لابد و بی‌اختیار، به زن و فرزند و اهل‌وعیال مردم دست‌درازی خواهند نمود و چاره ایشان را به هیچ وجه نمی‌توان نمود. احدی از مقربان درگاه خود را فرستاد نزد احدی از بزرگان صاحب رأی صواب و... و او را در مجلس مینومثال احضار نمود و از وی سؤال نمود که ما اراده سفر آذربایجان داریم و ظن غالب آن است که این سفر ما به شش هفت سال به‌انجامد و لشکر و سپاه ما از عزوبت و غلبه شهوت، ناچار و بی‌اختیار قصد اهل‌وعیال مردم خواهند نمود و ما از چاره ایشان عاجزیم، اگر چنانچه از روی مصلحت ملکی، فوجی از فیوج (کولیان) را با اردوی خود همه‌جا داشته باشیم که سپری باشند از برای زن و فرزند مردم، شما را در این باب چه می‌فرمایید» (آصف، ۱۳۴۸: ۳۲۹).

صاحب *مرآة‌البلدان* نیز درباره زنان کولی می‌گوید: «روی زن‌های کولی باز و حجایی بر روی صورت ندارند. با آن که باید به سبب وضع خلقی پرشهوت باشند، ولی چندان اثری از این فقره از ایشان ظاهر نمی‌شود و هرگاه تن به این عمل دردهند، شوهر یا پدر و مادر ایشان

اعتنایی ندارند و معلوم است که دربند نیستند و مداخل آن‌ها؛ یعنی زن‌های کولی اغلب از فال‌گیری است و گاهی دزدی هم می‌کنند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۶۷۸).
با توجه به این مطالب می‌توان گفت در گذشته این گروه به چنین صفتی مشهور بوده‌اند که حاکمان در جهت مقاصد خود از آن‌ها استفاده ابزاری می‌کردند. چنان‌که هنوز در برخی مناطق (ایلام و کرمانشاه) زنان کولی به این عمل اشتغال دارند و مردان آن‌ها به این امر واقف هستند و چه‌بسا خود در این کار (که اغلب به انگیزه کسب درآمد است) آن‌ها را همراهی می‌کنند.

گفته‌های خاورشناسان درباره کولیان نواحی غرب (کرمانشاه و کردستان)

در اینجا از گفته ایران‌پرست به‌عنوان مقدمه‌ای برای مشاهدات خاورشناسان یا صفیران خارجی بهره می‌گیریم: «در سنندج و کرمانشاهان طوایفی زندگی می‌کنند معروف به سوزمانی که تنی چند هم تا بلوک ذهاب کوچیده در قراء خانقین و حاج قره مسکن گرفتند. این طوایف نوعی از کولی‌ها بودند و جز صنعت رقص و کامبخشی، چیز دیگری نمی‌دانستند. اگر خریداری مایل به رقص زنی می‌شد، همین که به آن زن پیغام می‌فرستاد، یک دسته زن و مرد با پدرخوانده و برادر یک‌جا گرد آمده و دوبه‌دو می‌رقصیدند و دیگران نیز ساز می‌زدند. مردان هم اگر سراییدن یا نواختن می‌دانستند، می‌خواندند و می‌نواختند. پولی که در ازای رقص یا کامبخشی داده می‌شد، در میان تمام خانواده‌های شرکت‌کننده، پخش می‌گردید. زن سوزمانی به کامبخشی بیش از رقص و نوازش راغب بود. شاید به همین مناسبت در میان این طایفه‌ها، رشته پدر-فرزندی گسیخته بود و مادر از دختر و شوهر از زن جلوگیری نمی‌کرد و همگی فزونی مشتری را فخر و سربلندی می‌دانستند» (ایران‌پرست، ۱۳۲۸: ۲۹۹).

شایان ذکر است که در گذشته‌های نه‌چندان دور در مناطق غرب کشور، مردان کولی عهده‌دار نوازندگی و رقص در مجالس عروسی بودند و با گذشت زمان و تحولات اجتماعی، نقش آن‌ها کم‌رنگ شد، اما تعدادی از زنان کولی هم‌اکنون نیز به تن‌فروشی گرایش دارند.
بارون دوبد^۱ نیز درباره سوزمانی‌ها می‌نویسد: «کولی‌ها در کرمانشاه و کردستان تعدادشان بسیار زیاد است. زندگی خانه‌به‌دوشی دارند و در اینجا موسوم به سوزمانی و کولی هستند. آبادی‌های بسیار بزرگی در حوالی سنه (سنندج) منحصراً محل سکونت سوزمانی‌هاست» (۱۳۷۱: ۳۱۰). با توجه به گفته بارون دوبد، تعداد کولیان در کردستان بسیار بوده است، اما طبق بررسی‌های انجام‌شده، امروزه این قوم به‌صورت ساکن در استان کردستان دیده نمی‌شوند و به‌نظر می‌رسد گفته بومیان مبنی بر تعقیب و طرد کولیان به‌وسیله امیرنظام‌الدین گروسی حقیقت داشته باشد.

1. Baron dobod

کلنل چریکف^۱، رئیس هیئت نمایندگان روسیه، هنگام عبور از استان کرمانشاه به شماری از خانواده‌های سوزمانی برخورد کرده است و درباره آنان می‌گوید: در حوالی صحنه، طایفه مشهور سوزمانی هستند و همه آنها رفاص و مردان عیاش هستند (۱۳۵۸: ۹۲). با توجه به گفته افراد بومی تا دو دهه اخیر، تعدادی زیادی از کولیان در این منطقه (صحنه) سکونت داشتند، ولی در سال‌های اخیر تعداد آنها کاسته شده است. اوژن اوبن^۲ سفیر فرانسه نیز درباره سوزمانی‌ها می‌گوید: «زنان سوزمانی برای قاطرچیان و زائران می‌خوانند و می‌رقصند. این برنامه تنها روز خوش، در طی سفر دراز کاونیان است». (۱۳۶۲: ۱۳). وی همچنین می‌گوید: «سوزمانی‌ها، کولی هستند... مردان کولی به حرفه مسگری، جوراب‌بافی، غربال و الک‌سازی می‌پردازند؛ زنان آنها نیز فال‌بینی و روسپی‌گری می‌کنند». (همان: ۳۵۸).

القاب کولیان در نقاط مختلف ایران

با توجه به بررسی‌های میدانی انجام‌شده در نقاط مختلف ایران از کولیان با عناوین مختلفی یاد می‌شود: از جمله: توشمال (در ایل بختیاری)، فیوچ و جوکی (در مازندران)، چگینی، فیوچ و کولی (در گیلان)، چنگی و قراچی (در آذربایجان غربی)، کولی و حرامی (در مناطق عرب‌نشین)، سوزمانی (در کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی)، قرشمال، پاپتی، غربتی و غربال‌بند (در مشهد و مناطق هم‌جوار)، قره‌چی و قره‌قره (قزوین و آذربایجان)، کاولی، خراط، لوطی و قره‌قره (ایلام و کرمانشاه)، لالی، لولو، دهاتی و غربت (در شیراز) و لرهای ممسنی شیراز، کولی‌ها را عیشون می‌خوانند. لولی، کولی و سوری (کرمان) و در سیستان و بلوچستان این طایفه را چلی، زط یا جت می‌خوانند. نکته شایان ذکر این است که کولی‌های سیستان و بلوچستان با توجه به اشتغال به آهنگری و ساخت وسایل و ابزار فلزی، خود را «داودی» می‌خوانند و خود را به حضرت داوود که پیشه آهنگری (شغل اصلی کولیان) و زره‌سازی داشت منسوب می‌کنند.

شیوه زندگی و ویژگی‌های کولیان غرب کشور (کرمانشاه و ایلام)

با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده با مردم و کولیان استان‌های ایلام و کرمانشاه و مشاهدات نویسنده، می‌توان گفت این قوم در مناطق غرب کشور به‌صورت ساکن و دوره‌گرد دیده می‌شوند. تعداد افراد هر خانواده اغلب متجاوز از هفت تا هشت نفر است و نظام خانوادگی منسجمی مبتنی بر احترام متقابل ندارند. اغلب کولیان، مناطق ویژه خود را دارند و تمایلی به

1. cherikof

2. Eugène Aubin

تحصیل و کسب علم ندارند. مردان کولی درشت‌اندام و سیاه‌چرده‌اند و به خالکوبی روی بدن (به‌ویژه روی دست و بازو) علاقه دارند و این عمل را نشان شجاعت و مردانگی می‌دانند. در نزاع و درگیری بسیار خشن و بی‌محابا هستند و از هیچ عملی، حتی قتل، ترسی ندارند. این قوم از جایگاه اجتماعی خاصی بهره‌مند نیستند و به‌ظاهر اسلام را پذیرفته‌اند، اما به انجام فرایض و آداب دینی بی‌توجه‌اند و به زیارت اماکن مقدس علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. درمورد فعالیت‌های اقتصادی زنان و مردان کولی باید گفت زنان کولی با ظاهری زیبا و با خالکوبی‌هایی در چانه و مچ دست و پا به ساختن ابزارهایی مانند دوک، جاجیم و افسارهای چرمی می‌پردازند. علاوه بر این به گدایی و تن‌فروشی گرایش دارند و حتی سایر اعضای خانواده از جمله پدر و برادران در این کار آن‌ها را یاری می‌دهند و این عمل در میان آن‌ها عادی تلقی می‌شود. البته این امر فقط درمورد افراد غریبه و غیرکولی صادق است و اگر یکی از زنان کولی با مردی غیرکولی مرتکب زنا شود، با پرداخت مقداری پول این مسئله خاتمه می‌یابد، اما اگر دو طرف کولی باشند، مرد باید زن را به عقد خود درآورد و چه‌بسا در غیر این صورت، ماجرا به قتل وی می‌انجامد.



تصاویر ۱ و ۲. خالکوبی چاقو و مار بر ساعد

منبع: ایوب امید، شهرستان ملکشاهی ایلام (سمت راست) (۱۳۹۸) و شهرستان صحنه کرمانشاه (سمت چپ) (۱۴۰۰)

مردان کولی نیز به کارهایی از جمله کفاشی، ختنه^۱، ساخت وسایل چوبی (عصا، گرز و...) و آهنگری (وسایلی از قبیل چاقو، ساطور، تبر، تیشه، داس و دیگر ابزار کشاورزی) و ساخت آلات موسیقی (طبل، سرنا، فلوت و...) اشتغال دارند. یکی از عمده‌ترین فعالیت‌های کولیان در رابطه با موسیقی است. در ادوار گذشته (تا دهه ۱۳۷۰) مردان کولی در مراسم عزاداری بزرگان کرد (چمر)، مراسم ازدواج و ختنه‌سوران با سرنا و دهل، عهده‌دار نوازندگی بودند. شایان ذکر است درآمد متوسط آن‌ها بین هفت تا نه میلیون تومان است، اما با توجه به سبک زندگی آن‌ها و

۱. در ادوار گذشته در اغلب نواحی غربی فقط همین گروه به انجام این عمل مبادرت می‌کردند؛ زیرا این عمل جزو شغل‌های پست محسوب می‌شد.

بی‌توجهی به آینده‌نگری و برنامه‌ریزی در جهت پیشرفت کیفیت زندگی، اغلب آن‌ها وضعیت مادی و رفاه مناسبی ندارند.



تصاویر ۳ و ۴. شغل کفاشی و ختنه

منبع: ایوب امید، شهرستان ایلام (سمت راست) (۱۳۹۹) و شهرستان کرمانشاه (سمت چپ) (۱۳۹۹)



تصاویر ۵ و ۶. کارگاه ساخت ابزار چوبی و یکی از کولیانی که در زمینه فروش چوب فعالیت دارد

منبع: ایوب امید، شهرستان سرپل ذهاب (سمت راست) (۱۳۹۹) و اسلام‌آباد غرب (سمت چپ) (۱۳۹۹)

پونته^۱ نکته جالبی را در مورد شغل گروهی از کولیان هندوستان یادآور می‌شود: «کولیان هندوستان، بیشتر در شمال باختری، نواحی جنوبی و خاوری، ایالت راجستان، پیرامون کنگورا و

1. ponte

بامر زندگی می‌کنند. تیره‌ای از کولیان هند به گادولیاالوهار^۱ سرشناس هستند. این‌ها ساکن راجستان بودند و خود را منسوب به گروه راجپوت می‌دانستند و برای آن‌ها اسلحه می‌ساختند. به همین جهت آن‌ها تا سال ۱۵۶۸ (روزگاری که اکبرشاه خاندان راجپوت را برانداخت) اهمیت ویژه‌ای داشتند. برافتادن خاندان راجپوت (که با سلاح‌های تولیدشده گادولیاالوهارها می‌جنگیدند) ضربه سنگینی به شهرت کولیان وارد کرد؛ به طوری که سوگند خوردند تا برای جبران این ننگ به ساختن اسلحه نپردازند. به همین دلیل ساختن ظروف خانگی، آلات کشاورزی و سایر ابزار غیرجنگی را پیشه کردند (۱۳۶۳: ۸).

نکته جالبی که پونته در اینجا به آن اشاره می‌کند، شغل کولی‌هاست که حتی در هندوستان با همین شغل (آهنگری) مشهور بوده‌اند و با توجه به پژوهش‌های میدانی انجام گرفته، همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، یکی از فعالیت‌های عمده کولیانی که به‌طور فصلی در اطراف مناطق روستایی سکونت می‌یابند، همین آهنگری و ساخت ابزارهایی مانند چاقو، تبر، داس و لوازم چوبی است.

در ادوار گذشته، کولیان به‌صورت دوره‌گردی و کوچ‌نشینی با افزایش سیاه‌چادرهایی در اطراف روستاها برای مدت کوتاهی (۲ هفته) ساکن شدند و با آهنگری، ساخت ابزارهای کشاورزی و فروش صنایع دستی به اهالی روستاها امرارمعاش می‌کردند، اما به‌نظر می‌رسد در دهه‌های اخیر، پیشرفت صنایع کشاورزی و ماشینی شدن مراحل برداشت محصولات کشاورزی در کاهش دسته‌های کولیان دوره‌گرد در جوامع روستایی مؤثر بوده و اغلب در شهرهای بزرگ به فعالیت‌هایی از قبیل دست‌فروشی، گدایی و سایر شغل‌های کاذب روی آورده‌اند.

مشیری در کتاب *جغرافیای کوچ‌نشینی* با توجه به وحدت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کولی‌ها و بنا بر دلایل زیر، این گروه‌ها را از دیدگاه علم جغرافیایی در زمره کوچ‌نشینان به‌شمار آورده است: «۱. کولی‌ها بنا به نوع معیشت و مقام اجتماعی‌شان حرکت منظم سالانه و فصلی دارند؛ ۲. این گروه دارای وحدت قومی و فرهنگی‌اند؛ ۳. کوچ و جابه‌جایی آنان با جدول زمانی فصلی مطابقت دارد و این جدول با وضعیت طبیعی به‌ویژه تغییرات آب‌وهوایی محیط تنظیم می‌شود» (۱۳۷۸: ۵۷). اما تفاوت برجسته کولیان با عشایر کوچ‌نشین در این است که کوچ‌نشینان با پرورش انواع دام، نیرویی مولد به‌شمار می‌آیند، ولی کوچ‌نشینان اغلب کولیان به‌منظور کار در مزارع کشاورزی و خوشه‌چینی یا کدیه است.

1. Gadolialohar



تصاویر ۷ و ۸. آهنگری و ساختن ابزار کشاورزی

منبع: ایوب امید، شهرستان هرسین (۱۴۰۰)

اکبر فتحی از شهرستان دهلران می‌گوید: کولی‌ها به خوردن حیواناتی از قبیل خرگوش، جوجه تیغی و به‌ویژه گراز علاقه زیادی دارند و مردم بومی غرب کشور بر این باورند که این امر در طول عمر آن‌ها تأثیر بسزایی دارد. به همین دلیل گاه برای سلامتی و طول عمر فرزندان به آن‌ها مقداری گوشت گراز می‌دهند یا از زنان کولی می‌خواهند بچه آن‌ها را شیر دهد. سپس بچه را غسل می‌دهند؛ چون کولیان را نجس می‌دانند؛ به‌عنوان مثال اگر به کولی‌ای کاسه‌ای آب دهند، کاسه را به کولی می‌دهند یا دور می‌اندازند یا از لمس کردن و دست‌دادن به آن‌ها خودداری می‌کنند. چنین رفتارهایی عقاید هندوان در مورد طبقه نجس‌ها (پاریاها) را به ذهن متبادر می‌کند.

هرچند کولیان منطقه غرب جایگاه اجتماعی خاصی ندارند، اما در دوره پهلوی اول، یکی از کولیان (حیدر حیدریان) با نشان دادن شجاعت خود، اعتبار و جایگاه اجتماعی مناسبی کسب می‌کند. در اینجا به نقل مضمون گفته‌های یکی از نوادگان وی به نام مجتبی حیدریان از ساکنان شهرستان ایلام می‌پردازیم: در دوره پهلوی اول، در جنگی که به جنگ رنو (کوهی که شهرستان ایوان را از شهر ایلام جدا می‌کند) مشهور است، میان دولت مرکزی و والی پشتکوه، جنگی صورت می‌گیرد. یکی از کولیان به نام حیدر حیدریان (از کولیان شهرستان ایوان غرب از توابع استان ایلام) به همراه چهار برادرش، به طرفداری از رضاشاه در مقابل نیروهای والی پشتکوه (ایلام و لرستان) ایستادگی می‌کند و دوازده نفر از نیروهای آن‌ها را به قتل می‌رساند. به پاداش این خدمت، شخص نام‌برده از رضاخان، مفتخر به دریافت نشان شجاعت می‌شود و جایگاه اجتماعی قابل قبولی می‌یابد. شایان ذکر است هرچند اغلب مردم غرب کشور از وصلت با کولیان خودداری می‌کنند، اما چون شخص نام‌برده (حیدر حیدریان) از اعتبار و تمکن مالی مناسبی برخوردار بود، به دامادی یکی از خانواده‌های شیعه ایل بزرگ ارکواز ایلام نائل می‌شود. گفته می‌شود نام‌برده در بمباران‌های سال ۱۳۶۶ در شهرستان ایوان به شهادت رسیده است.

بنا به گفته علی‌عسگر حیدریان (از دیگر نوادگان حیدر حیدریان)، سکونتگاه اولیه کولیان شهرستان ایوان (و احتمالاً کولیان ایلام) منطقه بولی^۱ در شمال غربی استان ایلام بوده و همان‌طور که از نام این منطقه برمی‌آید، واژه بولی هماهنگی معنی‌داری با واژه کولی دارد (چه بسا در گذشته‌های دور، سکونتگاه کولیان بوده است).

عبدالله مرادی‌نیا نیز از کولیان شهرستان دره‌شهر استان ایلام به نقل از پدر بزرگ خود می‌گوید که دو سه نسل پیش، از لرستان به ایلام مهاجرت کرده‌اند. با توجه به این گفته شاید بتوان گفت برخی از کولیان استان ایلام از لرستان به این منطقه وارد شده‌اند.

هم‌اکنون گروه‌هایی از کولیان در استان‌های ایلام و کرمانشاه سکونت دارند (که در پایان مقاله، جایگاه سکونت آن‌ها ذکر شده است) و تا دو سه دهه اخیر (۱۳۷۰-۱۳۸۰) عده اندکی در فصل بهار یا تابستان با افراشتن سیاه‌چادرهایی در اطراف روستاها به آهنگری پرداخته و لوازم مورد نیاز روستاییان را فراهم می‌کردند که این شکل از زندگی کوچ‌نشینی در سال‌های اخیر (ده بیست سال گذشته) دیده نمی‌شود و دلیل آن صنعتی‌شدن کشاورزی و روی آوردن کولیان به شهرهای بزرگ است.

در اینجا برای نشان‌دادن خشونت این گروه به داستانی غم‌انگیز که در گذشته در دره شمیران شهرستان ایوان غرب اتفاق افتاده اشاره می‌شود. معارف عزیزی از روستای سرتنگ شهرستان ایوان غرب (از توابع استان ایلام) به نقل از پدر بزرگ خود می‌گوید: در اواسط قرن دوازدهم به بعد (دوره قاجار) در درگیری و نزاعی که بین دو گروه از کولیان شیراز رخ می‌دهد، یکی از کولیان کشته می‌شود. به همین دلیل خانواده و نزدیکان قاتل، مجبور به فرار و کوچ اجباری می‌شوند و پس از سکونت در مناطق مختلف، سرانجام در منطقه پای قلعه در دره شمیران (در جنوب غربی روستای سرتنگ از توابع استان ایلام) ساکن می‌شوند و حتی با خانواده‌ای از اهالی بولی (که پیش از این اشاره شد) وصلت می‌کنند. سرانجام پس از جست‌وجوی فراوان، خانواده مقتول آن‌ها را می‌یابند و همه را از مرد، زن و کودک به قتل می‌رسانند. از قضا هنگام این حادثه، عروس کولیان که باردار بود در خانه پدر به سر می‌برد. دختر پس از وضع حمل، نوزادش را علی می‌نامد. علی پس از مدتی جوانی دلاور و رشید می‌شود و با نشان‌دادن توانایی و قابلیت از ملازمان خان منصور، خان ایل کلهر (۱۱۹۰-۱۱۰۵) می‌شود و به پاس خدمتی که برای خان انجام می‌دهد (گویا کشتن یکی از دشمنان خان) به دریافت عنوان علی‌خان نائل می‌شود. بنا به گفته برخی، همین فرد (علی‌خان) جد یکی از خانواده‌های ثروتمند و متنفذ شهرستان ایوان است.

پراکندگی کولیان در نقاط مختلف ایران

در پژوهش حاضر، نویسنده در استان‌های ایلام و کرمانشاه به بررسی ویژگی‌ها و پراکندگی کولیان این مناطق پرداخت. آمارهای ذکرشده درمورد تعداد خانوارهای کولیان براساس تحقیقات میدانی و به‌صورت تقریبی از مردم بومی و کولیان دو استان جمع‌آوری شد. شایان ذکر است با توجه به دشواری و موانع گردآوری داده‌های مربوط به پراکندگی و تعداد خانوارهای کولیان و حضور خود نویسنده در سایر استان‌ها (کردستان، لرستان، خراسان رضوی، کرمان، فارس، بوشهر، خوزستان، تهران و مازندران)، این اطلاعات به یاری خویشاوندان و دوستان نویسنده به شیوه حضور میدانی و یادداشت‌برداری جمع‌آوری شده است.

۱. کولیان ساکن استان کردستان

با توجه به سفرنامه‌های خاورشناسان، در گذشته تعداد سوزمانی‌ها در این استان قابل‌ملاحظه بوده است، اما با بررسی‌ها و گفت‌وگوهای انجام‌شده در نقاط مختلف استان، هم‌اکنون کولیان ساکن استان کردستان وجود ندارند. با توجه به گفته فرهاد پرموز در فصل بهار و تابستان گاه چند سیاه‌چادر به‌طور دوره‌گرد در شهرستان‌های قروه، کامیاران دیده می‌شود. بنا بر گفته اهالی بومی، در دوره قاجار، دسته‌های سوزمانی به دستور امیرنظام گروسی مورد پیگیری و آزار قرار گرفتند و از کردستان رانده شدند. با توجه به مصاحبه‌های میدانی، یکی از عوامل اصلی عدم حضور کولیان به‌صورت یکجانشین در استان کردستان، اختلافات فرهنگی و فساد بی‌سروسامانی این قوم است. طبق مصاحبه‌ها و بررسی‌های صورت‌گرفته، اغلب کولیان بر مذهب تشیع هستند و این امر (با توجه به مذهب مردم کردستان که اهل تسنن هستند) نیز ممکن است در این مسئله بی‌تأثیر نباشد.

۲. کولیان ساکن استان کرمانشاه

شهرستان کرمانشاه: سعید فخری از کرمانشاه می‌گوید: مسئولان استان به دلایل مختلف، از جمله بالا بودن آمار بزهکاری، زاغه‌نشینی، قتل، دزدی، زورگیری، فحشا، گروگان‌گیری و... ساکنان منطقه چمن (قسمت پایین در شمال غرب شهر کرمانشاه) را که اغلب کولی بودند و به فروش مواد مخدر و ترویج فساد گرایش داشتند از این منطقه انتقال دادند (با مبلغ شش میلیون تومان کمک بلاعوض به هر خانوار، درحالی‌که بدون پروانه ساخت و به‌طور غیرقانونی در این منطقه ساکن شده بودند) و همین اقدام تا حد زیادی در کاهش جرم و بزهکاری در این منطقه از شهر مؤثر بود. کولیان این منطقه پس از کوچ اجباری، اغلب در محله آقاجان و تعدادی هم در منطقه تعاون و باغ ابریشم سکونت یافتند؛ درحالی‌که مردم منطقه چمن

بالادست (که تقریباً یک کیلومتر با چمن پایین فاصله دارد)، به زندگی عادی مشغول‌اند و آمار بزهکاری در این قسمت بسیار اندک است. علی‌فهادی نیز می‌گوید: تعداد زیادی از کولیان به‌طور پراکنده در مناطق محله نورآباد (۷۰ خانوار)، کوچه نظام (۱۰۰ خانوار)، محله رشیدی (۱۸۰ خانوار)، محله سرچشمه (۹۰ خانوار)، جعفرآباد (۳۵ خانوار) و تاج‌آباد (۱۰۰ خانوار) سکونت دارند.

شهرستان سنقر: آرمان حسینی می‌گوید: محمود وطن‌خواه (معروف به محمود کولی)، نوازنده و خواننده مشهور کولی که از منطقه اسدآباد همدان تا کامیاران کرمانشاه کاملاً شناخته شده است، ساکن شهرستان سنقر است. با توجه به گفته یحیی‌علی‌پور، طی ۱۵-۲۰ سال گذشته گروه‌هایی از کولیان اطراف روستای کرگسار و چراغ‌آباد شهرستان سنقر علاوه بر سکونت به گشت‌وگذار در دیگر بخش‌های شهرستان می‌پرداختند و با ساخت ابزارآلات کشاورزی امرارمعاش می‌کردند، اما امروزه نشانی از آن‌ها دیده نمی‌شود.

شهرستان گیلان غرب: حمزه زارعی درمورد کولیان گیلان غرب می‌گوید: در این شهرستان کولی ساکن وجود نداشته و هر سال در فصل بهار و تابستان تعداد چهار یا پنج سیاه‌چادر در حاشیه شهر برای مدت کوتاهی اقامت می‌کنند.

شهرستان هرسین: علی چراغی می‌گوید: کولی‌ها در شهرستان هرسین تا دهه شصت به‌صورت کوچ‌نشین و دوره‌گرد روزگار می‌گذراندند، اما به‌تدریج در محله تازه‌آباد و روستای الیاسوند (۳۵ خانوار) سکنی گزیدند و با ساخت صنایع‌دستی از جمله دوک، قفس پرنندگان، غربال، دهل، تنبک و... امرارمعاش می‌کنند. با یکجانشینی و تحولات جامعه، این صنایع به دست فراموشی سپرده شد و به همین دلیل بخشی از آن‌ها برای کار به شهرهای بزرگ از جمله تهران و کرج رهسپار شدند. دختران و زنان اغلب به تکدی، دست‌فروشی، وچین، کار در مزارع و برداشت محصول و حتی روسپیگری گرایش دارند و مردان به مشاغلی مانند ختنه، ساخت ابزار موسیقی سنتی (سرنا و دهل)، نوازندگی و اجرای مراسم عروسی و عزاداری می‌پردازند، اما با مطرح شدن ابزارهای موسیقی جدید، بازار این گروه کساد شد. در مجموع کولی‌ها در این شهرستان همچون دیگر مناطق استان، گروهی بی‌بضاعت هستند و در میان مردم جایگاه اجتماعی خاصی ندارند.

شهرستان صحنه: میثم کریمی می‌گوید: در مناطق کولی‌آباد و بالاچو در شمال شرق شهرستان صحنه ۶۰ خانوار سکونت دارند. گفته می‌شود در گذشته کولیان بسیاری در روستای کرکسار ساکن بوده‌اند که با گذشت زمان، تعدادی مهاجرت کرده و تعدادی هم ماندگار شده‌اند و با مردم بومی درآمیخته‌اند.

شهرستان اسلام‌آباد غرب: فرزاد فرزی می‌گوید: در محله دیوقلا و سنگ معدن یا شهرستانی جدید، کولیان زیادی (۱۱۰ خانوار) ساکن هستند که مردانشان به آهنگری و نجاری اشتغال دارند و زنانشان نیز تن‌فروشی می‌کنند.

شهرستان سرپل ذهاب: فرهاد میرزایی می‌گوید: در این شهرستان ۵۰ خانوار در اطراف بیمارستان شهدا و شهرک تازآباد (که در زلزله اخیر ویران شد) سکونت داشتند که پس از ویرانی اغلب به روستای سراب گرم، روستای خاتون (بین سرپل و قصرشیرین)، کرمانشاه یا امام‌زاده شاهزاده محمد (در استان لرستان) نقل‌مکان کرده‌اند و اغلب از راه قاچاق، فروش مواد مخدر، دزدی و حتی تن‌فروشی و روسپیگری امرارمعاش می‌کنند.

۳. کولیان ساکن استان ایلام

شهرستان ایلام: مصطفی نیکویی از کولیان ساکن ایلام می‌گوید: اغلب کولیان ایلام نسبت فامیلی دارند. اغلب خویشاوندان ما در بخش میشخاص (۷ خانوار)، خیابان پیروزی شانزده (۲ خانوار)، جنب قبرستان آشوری (۶ خانوار)، منطقه سبزی‌آباد (۱۰ خانوار)، روستای بان‌برز (۲۰ خانوار) و نوروزآباد (۲۵ خانوار) ساکن هستند.

شهرستان ایوان: کولی‌های ایوان ۳۰ خانوار و اغلب در شمال شرقی شهر در حاشیه مسکن مهر و خیابان شهید باهنر ساکن هستند. همچنین یک خانوار در روستای کله‌جوب سکونت دارند که به آهنگری اشتغال دارند.

شهرستان دره‌شهر: مراد نظرزاده می‌گوید: کولیان دره‌شهر در منطقه چاه‌سیاه (۲۰ خانوار) و سرپل‌سیکان (۱۲ خانوار) سکونت دارند. نزاع و درگیری‌های خانوادگی میان آنان رایج است و افراد محلی با آن‌ها ارتباطی ندارند.

شهرستان آبدانان: رسول حاتمی می‌گوید: منطقه پشت قلعه (۵ خانوار)، سراب سرباغ (۶ خانوار)، شهرک هزارونی (۴ خانوار)، شهرک رجایی (۴ خانوار) از مناطق سکونت کولیان در شهرستان آبدانان است.

شهرستان دهلران: به گفته محسن یاری در بخش مورموری (منطقه حلیوه) ۶ خانوار از کولیان سکونت دارند. در دهه ۱۳۶۰ به صورت دوره‌گرد در فصل بهار برای چند سال متوالی در اطراف روستا چادر می‌زدند و از لرستان به اینجا مهاجرت کردند. پس از چند سال هم به صورت دائم سکونت پیدا کردند. ابزارآلات کشاورزی و نجاری روستا را تهیه می‌کنند.

شهرستان ملکشاهی: قدرت سلیمانی از کارمندان نیروی انتظامی شهرستان می‌گوید: در محله دلگشای ملکشاهی تنها ۴ خانوار ساکن هستند که به ساخت وسایل کشاورزی می‌پردازند و مانند سایر کولیان معضل‌ساز نیستند.

۴. کولیان ساکن استان لرستان

خرم‌آباد: ۲۵۰ خانوار که اغلب در مناطق پشته، کورش، علی‌آباد، پشت بازار، گل سفید زندگی می‌کنند.

شهرستان کوه‌دشت: (۲۰ خانوار).

شهرستان رومشگان: روستای بگم سلطان (۶ خانوار)، روستای آقاجان (۸ خانوار) پل‌دختر (۱۰۰ خانوار) که اغلب در مناطق ورودی شهر، حاشیه پارک ملی، خیابان امام خمینی و تنگ علی سکونت دارند.

شهرستان بروجرده: (۱۷ خانوار) در میدان رازی و میدان قیام، سلسله (الشتر) (۱۲ خانوار) که اغلب در خیابان ۳۰ متری مطهری، جنوب شهر، خیابان مبشر و روستای درتنگ زندگی می‌کنند.

شهرستان کوه‌دشت: (۳۲۰ خانوار) که اغلب در منطقه بوعلی کوه‌دشت و حاشیه شهر ساکن هستند.

۵. کولیان ساکن استان خراسان رضوی

شهرستان مشهد: حوالی دروازه عراق و روبه‌روی چهارشنبه‌بازار (۲۰۰ خانوار). خیابان گاز (۱۵ خانوار)، شهرک شهیدرجایی یا قلعه ساختمان (۴۰ خانوار)، منطقه خواجه ربیع خیابان مهر مادر (۳۰ خانوار)، خیابان رسالت یا درّوی (۴۰ خانوار)،

شهرستان نیشابور: کولیان این شهرستان در منطقه فردوسی جنوبی تا ارگ جنوبی و رحمت‌آباد ساکن هستند (۱۲۰ خانوار).

شهرستان کاشمر: در محله باغ مزار، خیابان فاطمیه و قائم سکونت دارند (۷۰ خانوار).
شهرستان سبزوار: خیابان سیداسماعیل (۲۰ خانوار)، روستای جیزه (۸ خانوار).

۶. کولیان استان کرمان

شهرستان کرمان: پانصد دستگاه (۲۵۰ خانوار)، میدان مشتاق (۷۰ خانوار). **شهرستان بم:** اس سی کان (۱۰۰ خانوار)، زیدآباد (۳۰ خانوار) که اغلب چادرنشین هستند. **شهرستان ریکان:** محله جان‌آباد (۳۰ خانوار). **شهرستان جیرفت:** عنبرآباد (۲۰۰ خانوار)، اسلام‌آباد

(۳۰ خانوار)، شهرستان کهنوج: ۵۰ خانوار. شهرستان سیرجان زرنند و بردسیر: ۴۰۰ خانوار.

۷. کولی‌های ساکن استان فارس

شهرستان شیراز: کولی‌ها در شیراز با عناوین مختلفی از جمله لالوها، عیشون، گاو‌بازها خوانده می‌شوند و بیشتر در مناطق جنوب شهر از جمله گود عربان (۲۰۰ خانوار) و کوزه‌گری (۸۰۰ خانوار). کتسفس (۱۰۰ خانوار) سکونت دارند.

شهرستان مهر: روستای اردان (۱۰ خانوار)، روستای صادره (۲۵ خانوار)، شهرگله‌دار (۲۰ خانوار)، همچنین در شهرستان‌های لامرد (حاشیه شهر و روستای ترکمان) خرامه، گوار، جهرم. (سلطان‌آباد، وزیرآباد و بخشی از شهرک میان‌رود، حلبی‌آباد) کولیان به صورت یکجانشین سکونت دارند (۱۷۰ خانوار). شهرستان کازرون: دروازه کازرون پشت باربری و ترمینال کنارشیجون یا قائمیه (۶۰۰ خانوار).

۸. کولیان ساکن استان بوشهر

شهرستان بوشهر: محله صالح‌آباد یا ظلم‌آباد قدیم (۶۵ خانوار). شهرستان برازجان: محله حسین‌آباد، آب‌پخش و خورموج (۷۵ خانوار). شهرستان کازرون: جاده برازجان شیراز-شهر چنارشاهی جان یا قائمیه جدید (مرکز عمده) (۱۱۰ خانوار)، بندر دیر، کنگان (۶۰ خانوار).

۹. کولیان ساکن استان خوزستان

شهرستان اهواز: کولیان اهواز (۹۰ خانوار) که اغلب در منطقه حصیرآباد اهواز و چهارصد دستگاه سکونت دارند. شهرستان شوش دانیال: (پانزده خانوار). شهرستان دزفول و اندیمشک: در منطقه حلبی‌آباد که در حاشیه شهر قرار دارد تعداد (۱۷۰ خانوار) از کولیان سکونت دارند. مسجدسلیمان: در منطقه کاروانسرا (۲۵) سکونت دارند. شهرستان امیدیه: در مناطق علی‌آباد پاچکو (۴۰ خانوار)، پشت شهرداری و جنب کشتارگاه (۵۵ خانوار) زندگی می‌کنند. شهرستان ایذه: کولی‌های این شهرستان اندک و در سطح شهر پراکنده هستند.

۱۰. کولیان ساکن استان تهران

گفته می‌شود در سال ۱۳۷۹ کولیان زیادی در محله خاک سفید (در جنوب شرق تهران) به صورت غیرمجاز سکونت داشتند که منازل آن‌ها به علت بزهکاری و فساد توسط نهادهای امنیتی تخریب شد و مجبور به مهاجرت شدند و در مناطقی مانند محله اتابک یا درویش (۶۰

خانوار)، قربتی‌های درخشان (۵۰ خانوار)، چهارراه امین‌حضور (۱۵ خانوار)، خورشهر (۲۰ خانوار)، محله دروازه غار (۷۵ خانوار)، حوالی شوش (۴۰ خانوار) و لب خط (۵۵ خانوار) سکونت یافتند. همچنین در مناطقی از جمله حوالی میدان رهبر، اوراق‌چی‌ها، خزانه، دره فرحزاد و دره فسقم گروه‌هایی از کولیان به صورت یکجانشین (۲۵ خانوار) و دوره‌گرد دیده می‌شوند.

۱۱. کولی‌های ساکن استان مازندران

شهرستان ساری: جوکی محله شهرک یا نوبنیاد (۸۵ خانوار) و محله غفاری (۲۵ خانوار).
بین ساری و قائمشهر: پنج کیلومتری ساری، شهرک جانبازان (۶۰ خانوار). منطقه پایین‌بزا (۱۰۰ خانوار).

شهرستان میان‌درود: بین ساری و نکا و نزدیک شرکت نکا چوب، اسلام‌آباد زید (۱۵۰ خانوار). تازه‌آباد ساری بخش پنبه چوله (۴۰ خانوار)، عباس‌آباد نکا (۴۰ خانوار). **شهرستان نوشهر:** کوی وحدت (۸۰ خانوار).

شهرستان بابل: روبه‌روی بیمارستان روحانی، ابتدای جنگ‌افروز کوچه ستار و منطقه هلیدشت (۱۰۰ خانوار) با توجه به گفته مردم بومی فامیلی «بهترک» بیست‌وپنج سال قبل به خریداری زمین پرداخته و سکنی گزیده‌اند و کولیان مناطق شمالی بسیار شناخته‌شده‌اند و با مردم بومی تفاوت فاحشی دارند. شایان ذکر این است که این گروه در سراسر کشور اغلب در حاشیه شهرها و مناطق فاقد امکانات زندگی می‌کنند و مردم از وصلت و پیوند خانوادگی با آن‌ها خودداری می‌کنند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات انجام‌شده می‌توان گفت کولیان همان داسیه‌ها یا نجس‌ها از طبقه پست هستند که خاستگاه اصلی آن‌ها شمال غربی هند بوده است و به دلایل مختلفی از جمله اختلافات مذهبی، نداشتن جایگاه اجتماعی مناسب، فقر و... طی سالیان متمادی مجبور به مهاجرت شده‌اند و به دلیل اینکه بخش اعظمی از این مهاجرت‌ها از راه کابل انجام گرفته با لقب کولی/کابلی (با توجه به پیوستگی دو کشور و اینکه در گذشته بخش وسیعی از افغانستان جزو هندوستان بوده است) خوانده شدند و شاید همین مهاجرت‌ها قرینه‌ای شده تا تمامی مهاجرانی که از سرزمین‌های شرقی، جنوب شرق و نواحی اطراف آن به سمت ایران سرازیر می‌شدند با عنوان کولی خوانده شوند. پس از مهاجرت کولی‌ها از سرزمین اصلی خود و توقف طولانی‌مدت و ارتباط با مردم نواحی مختلف، پاره‌ای از فرهنگ و ویژگی‌های هر منطقه را پذیرفته‌اند.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد در ایران، تعداد افراد هر خانواده کولی، متجاوز از هفت تا هشت نفر است و نظام خانوادگی منسجمی مبتنی بر احترام متقابل ندارند. این قوم از جایگاه اجتماعی خاصی بهره‌مند نیستند و به‌ظاهر اسلام را پذیرفته‌اند، اما نسبت به انجام فرایض و آداب دینی بی‌توجه‌اند و به زیارت اماکن مقدس علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. اغلب کولیان، مناطق ویژه خود را دارند و تمایلی به تحصیل و کسب علم ندارند و همین ویژگی‌های فرهنگی و تربیتی کولیان، آن‌ها را به سمت ارتکاب جرائم و انحرافات اجتماعی (به‌ویژه در شهرهای بزرگ) سوق داده است. درمورد فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها نیز باید گفت برخی از آن‌ها به شیوه‌های نامشروعی چون دزدی، تن‌فروشی، خریدوفروش مواد مخدر و... کسب درآمد می‌کنند. البته برخی نیز از راه‌های دیگری نظیر کفاشی، ختنه، ساخت وسایل چوبی و ابزار کشاورزی، آهنگری و ساخت آلات موسیقی اشتغال دارند. با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده با برخی کولیانی که با شغل کفاشی و ساخت وسایل چوبی امرامعاش می‌کنند، درآمد متوسط آن‌ها بین هفت تا نه میلیون تومان است، اما با توجه به سبک زندگی آن‌ها و بی‌توجهی به آینده‌نگری و برنامه‌ریزی در جهت پیشرفت کیفیت زندگی، اغلب آن‌ها وضعیت مادی و رفاه مناسبی ندارند. با توجه به این عوامل و بافت فرهنگی استان‌های مورد مطالعه، تعامل و ارتباط با این گروه بسیار محدود است. هر نوع ارتباط با این گروه، زشت شمرده می‌شود و با توجه به این پیشینه، افراد از مراوده و پیوند نسبی با این گروه اجتناب می‌کنند و حتی از سکونت در محله‌های کولی‌نشین خودداری می‌کنند. روی‌هم‌رفته، مجموعه این عوامل سبب طرد کولیان از جامعه و محدودیت ارتباط با آن‌ها شده است. بنا بر تحقیق‌های میدانی صورت‌گرفته، استان‌هایی چون فارس، کرمان، لرستان و کرمانشاه بیشترین تعداد کولی‌ها را در خود جای داده‌اند و به‌نظر می‌رسد کولیان به‌علت یافتن شغل مناسب و منزلت اجتماعی بهتر و اجتناب از سخت‌گیری و فشار به شهرهای بزرگ روی آورده‌اند؛ زیرا زندگی در جوامع کوچک‌تر (به‌ویژه شهر و روستاهای کم‌جمعیت) زندگی آنان را با مخاطره‌هایی همراه می‌سازد.

منابع

- اطلس گیتاشناسی کشورها (۱۳۶۲). چاپ اول، تهران.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۷). *کولی‌ها- پژوهشی درباره کولیان ایران و جهان*. چاپ اول، تهران: روزنه.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۶۰). *کوچ‌نشینی در ایران*. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصفهان‌ی، ابوالفرج (۱۳۶۸). *برگزیده‌الآغانی*. ترجمه محمدحسین مشایخ فریدونی. جلد اول. چاپ اول، تهران: علمی.
- اصفهان‌ی، جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق (۱۳۲۰). *دیوان*. تصحیح حسن وحید دستگیری. تهران: ارمغان.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۸). *مرآةالبلدان*. جلد اول. به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- آصف، محمدهاشم (۱۳۴۸). *رستم‌التواریخ*. تصحیح محمد مشیری. تهران: آبان.
- آقاعباسی، یدالله (۱۳۹۱). *دانشنامه نمایش ایرانی: جستارهایی در فرهنگ و بوطیقای نمایش ایرانی*. تهران: قطره.
- ایران پرست، سید نورالله (۱۳۲۸). «سوزمانی یعنی چه». *مجله دانش*، ۱ (۵)، ۲۹۹.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲). *ایران امروز*. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- بهار، محمدتقی (۱۳۶۸). *دیوان*. چاپ پنجم. تهران: توس.
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد (۱۳۶۸). *غرر اخبار ملوک الفرس*. ترجمه محمد فضائلی. تهران: نقره.
- تومکا، میکوش (۱۳۶۳). *کولیان افزارمند اروپا*. پیام یونسکو، ۱۷۳، ۱-۳.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۹۱). *دیوان*. تصحیح خلیل خطیب رهبر. چاپ پنجاهویکم. تهران: صفی‌علیشاه.
- حبیبی‌باشت، علیرضا (۱۳۸۵). *لولی در گذر تاریخ و ادبیات. زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک*، ۷، ۹۵-۱۱۰.
- حضور، علی (۱۳۸۷). *سیاوشان*. چاپ سوم. تهران: چشمه.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی نجار (بی‌تا). *دیوان*. به کوشش ضیاءالدین سجادی. تهران: زوار.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۹۷). *کولی در ادبیات فارسی*. *جستارهای نوین ادبی*، ۲۰۰، ۹۱-۱۱۶.
- دوید، بارون (۱۳۷۱). *سفرنامه لرستان و خوزستان*. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: علمی و فرهنگی.
- داندامایف، محمد (۱۳۹۱). *ایرانیان در بابل هخامنشی*. ترجمه محمود جعفری دهقی. تهران: ققنوس.
- ذوالفقاری، حسن (۱۴۰۰). *جایگاه اجتماعی لولیان خنیاگر و کولیان رامشگر در امثال فارسی*. *مجله مطالعات ایرانی*، ۲۰ (۴۰)، ۱۲۹-۱۶۷.
- راو، اپرنا (۱۳۶۱). *غربتی‌های افغانستان*. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران.
- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۸۹). *تاریخ ادیان جهان*. سه جلد. چاپ چهارم. تهران: علمی.

- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۶). *نه شرقی، نه غربی-انسانی*. جلد دوم. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- زندیه، حسین، صفری، محمدرضا و هادی، معصومه (۱۳۹۸). *وضعیت اجتماعی کولی‌ها در غرب ایران. تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۹(۱)، ۱۹۹-۲۲۳.
- صائب تبریزی، میرزا محمدعلی (۱۳۶۸). *کلیات صائب تبریزی*. مقدمه و شرح حال محمد عباسی. تهران: طلوع.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۲). *شاهنامه*. جلد سوم. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- قائم‌مقامی، عبدالوهاب (۱۳۳۹). *کولی‌ها کیستند و کجایی هستند*. *مجله ارمغان*، ۲(۶)، ۲۶۲-۲۷۰.
- کشیری، الهه و برک‌پور، ناصر (۱۴۰۱). *واکاوی عوامل مؤثر بر طرد و جدانشدگی گروه‌های قومی اقلیت؛ کولی‌های شهرک نوبنیاد ساری*. *پژوهش‌های انسان‌شناسی*، ۱۱(۲)، ۱۴۹-۱۸۷.
- کلنل چریکف (۱۳۵۸). *سیاحت‌نامه چریکف*. ترجمه آباکار مسیحی. به کوشش علی‌اصغر عمران. تهران: کتاب‌های جیبی.
- کوباس پونته، استبان (۱۳۶۳). *گادولیاالوهارها*. *مجله پیام یونسکو*، ۱۷۴، ۸-۱۰.
- مجم‌التواریخ و القصص (۱۳۱۸). *تصحیح محمدتقی بهار*. به همت محمد رضانی. تهران: کلاله خاور.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶). *زط، جات، کولی*. *مجله آینده*، ۱۳(۳)، ۱۶۳-۱۶۷.
- مشیری، سید رحیم (۱۳۷۸). *جغرافیای کوچ‌نشینی*. چاپ چهارم. تهران: سمت.
- معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی*. جلد سوم. تهران: امیرکبیر.
- منوچهری دامغانی، احمد بن قوص (۱۳۴۷). *دیوان*. تصحیح محمد دبیرسیاقی. چاپ سوم. تهران: زوار.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۲). *مثنوی*. شرح کریم زمانی. جلد پنجم. چاپ ششم. تهران: اطلاعات.
- مینوی، مجتبی (۱۳۴۹). *داستان‌ها و قصه‌ها*. چاپ اول. تهران: خوارزمی.
- نریمانی، اسفندیار و رضایی‌پور، روح‌الله (۱۳۹۹). *نگرشی به چهره کولی در ادبیات ایران و فرانسه*. *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ۸(۳)، ۱۰۶-۱۲۸.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۹۳۴). *هفت‌پیکر*. تصحیح ریتر و ربیقا. استانبول: مطبعة دولت.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۹۳۴). *خسرو و شیرین*.؟؟؟
- نولدکه، تئودور (۱۳۵۹). *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها*. ترجمه عباس زریاب‌خویی. تهران: انجمن آثار ملی.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۴۴). *روش بررسی و شناخت کلی ایلات و عشایر*. چاپ اول. تهران: مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- هدایت، رضاقلی بن محمدهادی (بی‌تا). *انجمن آرای ناصری*. تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- یوسفوند، سجاد، علی‌محسنی، سجاد و غیاثوند، احمد (۱۴۰۱). *واکاوی تجربه زیسته کولی‌ها از طرد اجتماعی (مورد مطالعه: کولی‌های شهر خرم‌آباد)*. *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۴(۱)، ۱۰۶-۱۲۵.